

# روش شناسی پاسخ گویی به پرسش های اعتقادی ۱

حجت الاسلام و المسلمین  
محسن عباسی ولدی

## اشاره

امام حسین (ع) فرمود:

برتری کسی که یتیم آل محمد (ص) را که از سرپرستان خود جدا شده و در جهل فرو رفته است سرپرستی کند و او را از جهل بیرون آورد و امور مشتبه را برای او روشن سازد، بر کسی که یتیمی را سرپرستی کند و به او آب و غذا دهد، مانند برتری خورشید بر ستارهٔ سُها<sup>۲</sup> است. از گذشته های دور عنایت خاصی از سوی یاران ائمه (ع) و علمای شیعه در گردآوری پرسش و پاسخ هایی که میان پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) و مخاطبان شان رد و بدل می شده وجود داشته است. یکی از قدیمی ترین این کتابها «مسائل علی بن جعفر» است که در آن علی بن جعفر، سؤالات فقهی را که از برادرش امام موسی کاظم (ع) پرسیده جمع آوری کرده است. یکی دیگر کتاب «الاحتجاج» است که مؤلف آن «ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی» از علمای قرن ششم می باشد. در این کتاب هم پرسش و پاسخ ها و مناظرات پیامبر خدا (ص) و اهل بیت (ع) با موضوع اعتقادی جمع آوری شده است. مرحوم

علامه محمدباقر مجلسی، از علمای قرن یازدهم و اوائل قرن دوازدهم، نیز در مجلدات مختلف از کتاب عظیم «بحار الانوار»؛ به ویژه در جلد نهم و دهم به پرسش و پاسخ ها و مناظرات اعتقادی قرآن و رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) پرداخته است.

در آثاری که با موضوع پرسش و پاسخ نگارش یافته، بیشتر به اصل پرسش و پاسخ پرداخته شده و کمتر به بحث «روش های پاسخ گویی» توجه گردیده است.

چندین سال پیش، درسی را با عنوان اصول عقاید برای دانش پژوهان قرآنی داشتم. در طول کلاس به مناسبت هایی تجربیات خود درباره شیوه پاسخ گویی به پرسش های اعتقادی را بیان می کردم. پس از آن تصمیم گرفتم این شیوه ها را برای استفاده دبیران و روحانیان به صورت کتاب منتشر کنم. وقتی شروع به نوشتن کردم، به کتب روایی هم مراجعه کردم تا برای هر کدام از شیوه ها شاهدهی قرآنی یا روایی بیابم. در این مراجعه بود که متوجه شدم، بر فضای پاسخ گویی به پرسش های اعتقادی در قرآن و سیره و سخنان اهل بیت (ع)

قواعدی حاکم است که نشان می‌دهد دین برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های اعتقادی برای خود شیوه و روشی خاص دارد. به همین دلیل کار قبلی را کنار گذاشته و شروع به تحقیق کردم. از اینجا به بعد دیگر به آنچه با تجربه خویش بدان رسیده بودم توجهی نداشتم. دغدغه اصلی بنده این شده بود که آیات و روایات را بررسی کرده و قواعد پاسخ‌گویی اهل بیت(ع) را استخراج کنم.

پرسش‌های اعتقادی، به‌ویژه در زمان نزول قرآن و عصر اهل بیت(ع) از مسائل پیش روی مبلغان دینی و از پرسش‌های اصلی هر روزگاری بوده است. در عصر ما این پرسش‌ها فراگیر شده و از قبل سهولت ارتباطات و توسعه رسانه‌های جمعی در تمام اقشار و سنین مختلف از مسائل اصلی زندگی انسان شده است.

فرایند پاسخ‌گویی به پرسش‌های اعتقادی دو رکن اساسی دارد؛ یکی محتوای پرسش و دیگری شیوه پاسخ‌گویی. برای یک پاسخ‌گویی موفق، باید هم بر محتوای پاسخ مسلط بود و هم با شیوه انتقال آن به مخاطب آشنا شد. حال با توجه به اینکه قرآن و اهل بیت(ع) در پاسخ‌گویی شیوه خاصی داشته‌اند و با توجه به اعتقاد ما در پیروی از تقلین، باید این شیوه‌ها را پیدا کنیم و در مسیر پاسخ‌گویی به کار گیریم.

در این سلسله‌مقالات که در مجله رشد قرآن و معارف اسلامی چاپ می‌شود بنا داریم مخاطب را قدم‌به‌قدم از ابتدا، یعنی قبل از اینکه وارد عرصه پاسخ‌گویی شود، تا وقتی که مشغول پاسخ‌گویی می‌شود، همراهی کنیم؛ بدین ترتیب که شیوه‌ها را با نظم خاصی در دو بخش کلی: «پیش‌نیازهای پاسخ‌گویی» و «مسیر پاسخ‌گویی» مطرح خواهیم کرد.

در «پیش‌نیازهای پاسخ‌گویی» در پی آن هستیم تا نیازمندی‌های ورود به عرصه پاسخ‌گویی را مشخص کنیم و در «مسیر پاسخ‌گویی» می‌خواهیم نکاتی را که پاسخ‌گو در مواجهه با یک پرسش و اقدام به جواب باید در نظر بگیرد بیان کنیم. این بخش در سه قسمت تبیین شده است:

اول: نکاتی که با دقت در خود «پرسش» باید در نظر گرفت؛

دوم: مطالبی که با دقت در شخصیت و نیت «پرسشگر» باید مورد توجه قرار گیرد؛

سوم: اموری که در خود «پاسخ» باید در نظر گرفته شود.

قسمت سوم، خود در چهار عنوان ذکر شده است:

اول: «نکات اخلاقی» که باید در حین پاسخ‌گویی

رعایت شود؛

دوم: «نکات مربوط به واژه‌ها»؛

سوم: «مستندات» و دلایلی که پاسخ‌گو می‌تواند از آن‌ها استفاده کند؛

چهارم: «شیوه‌ها»یی که پاسخ‌گو در نحوه ارائه پاسخ می‌تواند از آن‌ها بهره ببرد.

بدیهی است که چون ما به دنبال پیدا کردن روش‌ها در فرهنگ قرآن و اهل بیت(ع) هستیم.

منابع ما آیات قرآن و کتب روایی خواهد بود. البته برای فهم بهتر قرآن از تفاسیر و فنون تفسیری که در پی تبیین هر چه دقیق‌تر قرآن بوده‌اند نیز استفاده کرده‌ایم؛ مثلاً در برخی از موارد برای فهم دقیق آیه به سراغ شأن نزول آن در کتب تفسیری رفته‌ایم.

در کتب روایی نیز، هم به دنبال روایاتی بوده‌ایم که گفتار معصوم(ع) را نقل کرده‌اند و هم نشان از کتبی گرفته‌ایم که سیره معصومین(ع) را شرح داده‌اند.

ناگفته نماند که در برخی از این شیوه‌ها پرسش‌های اعتقادی موضوعیت نداشته و در پاسخ‌گویی به پرسش‌های فقهی و اخلاقی نیز باید مراعات شوند.

در همین جا تذکر این نکته ضروری است که برخی از مستندات در ناحیه دلالت، به‌صورت آشکار بر مدعا دلالت داشته و برخی دلالت ظنی دارند. از جهت سند هم حتی‌المقدور تلاش شده تا روایات از کتب معتبر و شیعی نقل شود. روایات در این نوشتار بررسی سندی نشده؛ اما از نظر مضمونی روایاتی آورده شده که با اصول اساسی دین در تعارض نیست و از نگاه محتوایی اشکالی ندارند. ارجاع به چند منبع در یک روایت هم نشان از اعتماد علما به روایت دارد.

## ۱. روش چیست و روش‌شناسی کدام است؟

روش یا متد<sup>۲</sup> در لغت به معانی متعدد از جمله: قاعده، قانون، شیوه، اسلوب، سبک و ... آمده است؛ اما در اصطلاح به سه چیز اطلاق می‌شود:

۱. مجموعه‌ای طریقی که انسان را به کشف مجهولات و حل مشکلات هدایت می‌کند؛

۲. مجموعه‌ای قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش واقعیات باید به کار برد؛

۳. مجموعه‌ای ابزار یا فنونی که پژوهشگر را در این مسیر از مجهولات به معلومات راهبری می‌نماید.<sup>۳</sup>

با توجه به نکات فوق روش خود در این تحقیق را این‌گونه تعریف می‌کنیم: روش عبارت است از راه به کار گیری قواعد، شیوه‌ها و فنون پاسخ‌گویی که پاسخ‌گو برای رسیدن به اهداف خود از آن بهره می‌گیرد.<sup>۴</sup>

## برای یک پاسخ‌گویی

موفق، باید هم بر محتوای

پاسخ مسلط بود و هم با

شیوه انتقال آن به مخاطب

آشنا شد. حال با توجه به

اینکه قرآن و اهل بیت(ع)

در پاسخ‌گویی شیوه

خاصی داشته‌اند و با توجه

به اعتقاد ما در پیروی از

تقلین، باید این شیوه‌ها

را پیدا کنیم و در مسیر

پاسخ‌گویی به کار گیریم

## ۲. پرسش

مقصود ما از پرسش در اینجا هر گزاره‌ای است که از سوی مخاطب مطرح شده و در انتظار پاسخی برای آن است، خواه قصد او برطرف کردن جهل خود باشد یا به قصد دیگری این پرسش را مطرح کند.

## ۳. پرسش‌های اعتقادی

همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، مقصود ما از اعتقادات مسائلی است که به حوزه عقاید و مسائل فکری مربوط می‌شود. به تعبیر دیگر اگر ما تقسیم‌بندی عقاید، اخلاق و احکام را در نظر بگیریم، مقصود عقایدی است که قسیم اخلاق و احکام می‌باشد.

## ۴. قرآن

در این تحقیق حجیت قرآن به‌عنوان یک اصل موضوعی پذیرفته شده است. از نظر ما قرآن: الف. کتابی آسمانی است که تحریفی در آن صورت نگرفته است. بی‌تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.<sup>۶</sup>

ب. برای هدایت همه انسان‌ها فرستاده شده است. ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است، [کتابی] که مردم را راهبر، و [متضمن] دلایل آشکار هدایت، و [میزان] تشخیص حق از باطل است.<sup>۸</sup>

ج. ظواهر و محکمت قرآن حجت بوده و متشابهات آن هم با تفسیر پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) حجت است.

اوست کسی که این کتاب [قرآن] را بر تو فرو فرستاد. پاره‌ای از آن، آیات محکم [صریح و روشن] است. آن‌ها اساس کتابند و [پاره‌ای] دیگر متشابهاتند [که تأویل‌پذیرند]. اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی می‌کنند، با آنکه تأویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند. [آنان که] می‌گویند: «ما بدان ایمان آوردیم، همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست»، و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود.<sup>۹</sup> (ال عمران/ ۷)

## ۵. اهل بیت (ع)

مقصود ما از اهل بیت (ع) در این تحقیق شخص

رسول خدا (ص) و خاندان پاک اوست. در این تحقیق حجیت سنت این بزرگواران نیز به‌عنوان اصل موضوعی پذیرفته شده است. از نظر ما: الف. سخنان اهل بیت (ع) اگر در مقام بیان بوده و تقیه نبوده باشد قابل استناد می‌باشد. ب. رفتار آن بزرگواران نیز مانند سخنانشان حجیت دارد.<sup>۱۰</sup>

ج. تقریر آن‌ها که نشانه تأیید عملی است حجت بوده و مانند رفتار و گفتار قابل استناد است.<sup>۱۱</sup>

## اهمیت پرسش در معارف دینی

با مروری بر آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) در می‌یابیم که دین به‌صورت کلی مخاطبان خود را به پرسشگری تشویق نموده و با تعبیر گوناگون انسان‌ها را به سمت پرسشگری سوق داده است. اگرچه دین، علاوه بر تشویق به پرسشگری، ذهن کنجکاو انسان را نیز مدیریت کرده و جهت‌گیری پرسش‌های او را نیز مشخص کرده است که در بحث بعد به آن خواهیم پرداخت.

دین در یک دعوت کلی انسان‌هایی را که دچار جهل هستند، به پرسش از اهل ذکر تشویق می‌کند. خداوند در دو آیه از قرآن کریم می‌فرماید:

اگر نمی‌دانید از اهل ذکر بپرسید.<sup>۱۲</sup>

پرسش و پاسخ‌های زیادی که در قرآن وجود داشته و سؤالات فراوانی که اقشار مختلف مردم از اهل بیت (ع) پرسیده‌اند، نشان از آن دارد که نه تنها دین در مقابل پرسشگری مانعی ایجاد نکرده؛ بلکه با نوع برخورد خود راه را برای خالی شدن ذهن‌ها از سؤالات باز کرده است.

گذشته از پرسش‌هایی که مردم از اهل بیت (ع) می‌نمودند، خود این بزرگواران نیز مردم را دعوت به پرسشگری می‌کردند. از معروف‌ترین روایاتی که مؤید این مدعاست، روایتی از امیرالمؤمنین علی (ع) است که فرمود:

ای مردم! از من بپرسید پیش از آنکه مرا از دست بدهید.<sup>۱۳</sup>

همچنین پیامبر خدا (ص) فرمود:

دانش گنجینه‌ای است و کلیدهای آن پرسش است؛ پس رحمت خدا بر شما بپرسید که بر اثر آن چهار نفر پاداش می‌یابند: سؤال‌کننده، پاسخ‌دهنده، شنونده و دوستدار آنان.<sup>۱۴</sup>

شاید با توجه به این معارف بتوان گفت که از نگاه دین، از پرده بیرون آمدن برخی از حقایق فقط در سایه پرسش امکان‌پذیر خواهد شد



**پیامبر (ص) فرمود:**  
دانش گنجینه‌ای است  
و کلیدهای آن پرسش  
است؛ پس رحمت خدا  
بر شما؛ بپرسید که بر  
اثر آن چهار نفر پاداش  
می‌یابند: سؤال‌کننده،  
پاسخ‌دهنده، شنونده و  
دوستدار آنان



و کسانی که اهل پرسش نیستند، از رسیدن به برخی از حقایق الهی نیز محروم هستند.

اهمیت پرسش به اندازه‌ای است که امام صادق(ع) می‌فرماید:

همانا مردم هلاک می‌شوند، چون نمی‌پرسند.<sup>۱۵</sup> البته تعمق در معارف اسلامی این نکته را به ما گوشزد خواهد کرد که فقط پرسیدن نیست که درهای حقیقت را روی ما می‌گشاید؛ بلکه باید انسان اهل خوب پرسیدن باشد که با حقایق بیشتری آشنا شود.

رسول خدا(ص) نیز فرمود:

خوب پرسیدن نیمی از دانش است.<sup>۱۶</sup>

امیرمؤمنان علی(ع) فرمود: «هر که خوب پرسش کند، دانا شود و هر که دانا شود، خوب پرسش کند.»<sup>۱۷</sup>

توجه در این روایات به ما می‌فهماند که میان دانایی و خوب پرسیدن رابطه متقابل وجود دارد که هر کدام باعث ازدیاد دیگری می‌شود. اما اینکه خوب پرسیدن چه ویژگی‌هایی دارد؟ در قسمت بعد به صورت مختصر به آن پاسخ خواهیم گفت.

## انواع پرسش

پرسش را به پنج ملاک می‌توان تقسیم کرد و خوب و بد آن را تشخیص داد. آن پنج ملاک عبارتند از: الف. چه می‌پرسیم؟ ب. چرا می‌پرسیم؟ ج. از که می‌پرسیم؟ د. چگونه می‌پرسیم؟ ه. چقدر می‌پرسیم؟

### الف. چه می‌پرسیم؟

از یک بعد خوب بودن پرسش بستگی به مطلبی دارد که درباره آن سؤال می‌شود. برخی از مطالب در حد فهم و درک انسان نبوده و از دایره توانایی علمی او خارج است.

از تو درباره قیامت می‌پرسند [که] وقوع آن چه وقت است؟ بگو: «علم آن، تنها نزد پروردگار من است. جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی‌گرداند. [این حادثه] بر آسمان‌ها و زمین گران است، جز ناگهان به شما نمی‌رسد.» [باز] از تو می‌پرسند گویا تو از [زمان وقوع] آن آگاهی. بگو: «علم آن، تنها نزد خداست، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.»<sup>۱۸</sup>

برخی از مطالب نیز مورد نیاز انسان نیست. همین هنگامه بر پاشدن قیامت خود نمونه‌ای از همین امور است. آنچه انسان بدان نیاز دارد این است که بداند چه باید انجام دهد تا در قیامت به حیات طیبه دست پیدا کند. خداوند نیز علم مربوط به این را از طریق انبیا و اولیای الهی به

مردم رسانده است.

مردی از بادیه‌نشینان<sup>۱۹</sup> به حضور رسول‌الله(ص) شرفیاب شد. انس بن مالک می‌گوید: هرگاه مرد بادیه‌نشین به حضور پیامبر اکرم(ص) می‌آمد و از آن حضرت مطالبی را سؤال می‌کرد، ما خوشحال می‌شدیم. این مرد که از بیابان آمده بود، به رسول خدا(ص) عرض کرد: قیامت کی برپا می‌شود؟

همزمان با سؤال این شخص، وقت نماز فرا رسید. حضرت شروع به نماز خواندن کرد. وقتی نماز تمام شد، فرمود: آن کسی که از زمان فرا رسیدن قیامت سؤال کرده بود، کجاست؟

آن مرد گفت: منم یا رسول الله!

حضرت فرمودند: تو برای قیامت چه آماده کرده‌ای؟

گفت: به خدا سوگند من اعمال زیادی از قبیل نماز و روزه (مستحبی) برای قیامت فراهم نکرده‌ام؛ یعنی به همان مقدار واجب اکتفا کرده‌ام و توفیق انجام عبادت‌های مستحبی نصیب نشده؛ ولی ذخیره‌ای دارم و آن این است که من، خدا و پیامبر او را دوست دارم.

پیامبر(ص) فرمود: هر انسانی با محبوب خود محشور می‌شود.

انس می‌گوید: هنگامی که حضرت رسول(ص) فرمود: هر انسانی با محبوب خود محشور می‌شود، هرگز مسلمانان را بعد از اسلام چنین با نشاط ندیدم.<sup>۲۰</sup>

در اینجا هم می‌بینیم که پیامبر اکرم(ص) به جای سخن گفتن درباره زمان برپایی قیامت، از توشه آخرت سخن می‌گویند.

فهمیدن برخی از مطالب هم به مصلحت انسان نیست. پرسش کردن درباره این امور هم از پرسش‌های خوب نمی‌تواند باشد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد شما را اندوهناک می‌کند بپرسید. و اگر هنگامی که قرآن نازل می‌شود، درباره آن‌ها سؤال کنید، برای شما روشن می‌شود. خدا از آن [پرسش‌های بیجا] گذشت، و خداوند آمرزنده بردبار است.<sup>۲۱</sup>

شاید بتوان گفت خوب پرسیدن از این زاویه، پرسش کردن درباره چیزی است که انسان توانایی فهمش را داشته، مورد نیازش بوده و مصلحت انسان در گرو فهم آن باشد.

### ب. چرا می‌پرسیم؟

نیت پرسشگر هم در خوب و بد بودن پرسش مؤثر است. گاهی پرسش‌ها برای فهم حقیقت

تعمق در معارف اسلامی این نکته را به ما گوشزد خواهد کرد که فقط پرسیدن نیست که درهای حقیقت را روی ما می‌گشاید؛ بلکه باید انسان اهل خوب پرسیدن باشد که با حقایق بیشتری آشنا شود

### پی‌نوشت‌ها

۱. یکی از ستارگان دتب اکبر.
۲. «عن ابی محمد الحسن بن علی العسکری (ع) قال: قال الحسن بن علی (ع) فضل کافل یتیم آل محمد المنقطع عن موالیه الناشب فی رتبة الجهل یرخرجه من جهله و یوضح له ما اشتبه علیه علی فضل کافل یتیم یطمعه و یسقیه کفضل الشمس علی اسهلها» الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۱. 3. method
۴. تکرشی برآموزش یا تأکید برآموزش دینی، ص ۲۸؛ به نقل از: دائرة المعارف علوم اجتماعی، ص ۴۴۶.
۵. اقتباس از همان.
۶. اصل موضوعی به معنی اصلی است که مبنای اثبات سایر مسائل قرار می‌گیرد و صحت آن در علم خاصی مسلم فرض می‌شود؛ هر چند اثبات صحت آن در علم دیگری نیازمند استدلال است.
۷. (إنا نحن نزلنا الذکر و إنا له لحافظون) سورة حجر: ۱۵، آیه ۹.
۸. شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان) سورة بقره: ۲، آیه ۱۸۵.
۹. (هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات حکمات هن ام الکتاب و اخر متشابهات فأما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأویلہ و ما یعلم تأویلہ إلا الله و الراسخون فی العلم یقولون أمنا به کل من عند ربنا و ما یذکر الا اولوا الألباب) سورة آل عمران: ۳، آیه ۷.
۱۰. دروس فی علم الاصول، حلقة اول؛ ص ۹۸.
۱۱. همان.
۱۲. (فاستلوا اهل الذکر إن کنتم لا تعلمون) سورة نحل: ۱۶، آیه ۴۳ و سورة انبیاء: ۲۱، آیه ۷. این که اهل ذکر مورد اشاره در آیه چه کسانی هستند، در بین مفسرین اندکی اختلاف وجود دارد. برای تحقیق بیشتر ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۴۱؛ ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص ۳۷۵.
۱۳. «أیها الناس! سلونی قبل از تفقدونی»؛ نهج البلاغه، خ ۱۸۹؛ کامل الزیارات، ص ۱۵۵.
۱۴. «العلم خزائن و مفاتیحه السؤال فاستألو رحمکم الله فانه یوجر أربعة: السائل، و المتکلم، و المستمع، و المحب لهم.» تحف العقول، ص ۴۱؛ بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۴۴.
۱۵. «عن زرارة و محمد بن مسلم و برید العجلی قالوا: قال أبو عبدالله (ع) لحرمان بن أعین فی شیء سألہ: إنما یهلك الناس لأنهم لا یسألون.» الکافی، ج ۱، ص ۴۰؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۹۸.
۱۶. «حسن السؤال نصف العلم» منیة المرید، ص ۲۵۸؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۴.
۱۷. «من احسن السؤال علم و من علم احسن السؤال»؛ میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۳۱۶.
۱۸. (یسئلونک عن الساعة أیأن مرساها قل إنما علمها عند ربی لا یجلها لوقتھا إلا هو نقلت فی السماوات و الأرض لاتأتیکم إلا بغتة یسئلونک کأنک حفی عنها قل إنما علمها عند الله و لکن اکثر الناس لا یعلمون) سورة اعراف: ۷، آیه ۱۸۷. در بخش سوم، فصل درباره این مطلب سخن خواهیم گفت.
۱۹. بادی‌نشین به عرب‌های بیابان‌نشین می‌گفتند که به زندگی شهری رو نیاورده و به همان زندگی ابتدایی خود پرداخته بودند.
۲۰. «عن انس مالک قال: جاء رجل من أهل البادية و کان یعجبنا ان یأتی الرجل من أهل البادية یسأل النبی (ص) فقال: یا رسول الله! متى قیام الساعة فحضرت الصلاة فلما قضی صلاته قال: این السائل عن الساعة؟ قال: أنا یا رسول الله قال: فما أعددت لها؟ [قال: ] و الله ما أعددت لها من کثیر عمل لا صلاة و لا صوم إلا انی أحب الله و رسوله فقال له النبی (ص)، المرء مع من أحب قال انس فما رأیت المسلمین فرحوا بعد الاسلام بشیء أشد من فرحهم بهذا.» علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۳۹.
۲۱. یا آیها الذین آمنوا لا تسئلوا عن اشیاء إن تبد لکم تسوکم و إن تسئلوا عنها حین ینزل القرآن تبدلکم عفا الله عنها و الله غفور حلیم) سورة مائده: ۵، آیه ۱۰۱.
۲۲. فاسأل العلماء ما جهلت، و إیاک أن تسألهم تعنتا و تجربة» منیة المرید، ص ۱۵۰؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۲.
۲۳. «قال امیر المؤمنین (ع) لسائل سأله عن معضلة: سل تفقها و لاتسأل تعنتا» نهج البلاغه، قصار ۳۲۰.
۲۴. «عن الحسن بن علی بن علوان قال: سأل رجل أبا عبدالله (ع) عن طعم الماء فقال: سل تفقها و لا تسأل تعنتا طعم الماء طعم الحیاة» المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۵؛ الکافی، ج ۶، ص ۳۸۱؛ وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۲۳۴؛ بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۴۴۳.
۲۵. (فاستلوا اهل الذکر إن کنتم لا تعلمون) سورة نحل: ۱۶، آیه ۴۳ و سورة انبیاء: ۲۱، آیه ۷.
۲۶. «قال النبی (ص): لیسوا لمن تعلمون و لمن تتعلمون منه.» منیة المرید، ص ۱۹۳؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۲.
۲۷. «کثرة السؤال تورث الملل» عبون الحکم و المواضع، ص ۳۸۹.

است؛ اما گاهی برای عرض اندام یا به لغزش انداختن طرف مقابل است. پرسش‌های نوع اول مصداق حسن‌السؤال و پرسش‌های نوع دوم از سؤالات نادرست است.

امام صادق (ع) به عنوان بصری فرمود:

آنچه را نمی‌دانی از دانشمندان بپرس؛ اما بر حذر باش از اینکه برای به لغزش انداختن آن‌ها و آزمایش [رتبه علمی] آن‌ها پرسش کنی.<sup>۲۲</sup>

امیرمؤمنان علی (ع) نیز به کسی که از آن حضرت سؤال مشکل‌سازی پرسید، فرمود: به نیت یادگیری بپرس؛ نه به قصد آزردن و به لغزش انداختن.<sup>۲۳</sup>

حسین بن علوان می‌گوید: مردی از امام صادق (ع) درباره طعم آب پرسید. امام فرمود: برای فهم بپرس؛ نه برای مچ‌گیری و درمانده‌سازی. طعم آب طعم زندگی است.<sup>۲۴</sup>

### ج. از که می‌پرسیم؟

با توجه به توصیه قرآن به پرسش از دانایان و اهل ذکر<sup>۲۵</sup>، باید گفت که برای روشن شدن شبهات و یافتن پاسخ سؤالات نمی‌توان به هر کسی رجوع کرد، دانا و اهل علم بودن حداقل صفتی است که باید در طرف مقابل وجود داشته باشد.

### د. چگونه می‌پرسیم؟

یکی از اموری که در حسن سؤال تأثیر بسزایی دارد ادب پرسش است. وقتی جاهلی از یک دانشمند پرسشی می‌کند، باید ادب گفتار را رعایت کرده و متواضعانه درخواست پاسخ داشته باشد.

رسول خدا (ص) فرمود: با کسی که از او چیزی یاد می‌گیرید و با کسی که چیزی به او یاد می‌دهید به نرمی برخورد کنید.<sup>۲۶</sup>

### ه. چقدر می‌پرسیم؟

در نگاه اسلامی، اعتدال رکن تمام اعمال نیک است. اگر عملی هر چند خوب، از حد اعتدال به سمت افراط یا تفریط رفت، ارزش خود را از دست داده و تبدیل به ضد ارزش می‌شود.

امیرمؤمنان علی (ع) فرمود:

زیاد پرسیدن خسته‌کننده است.<sup>۲۷</sup>

این مقاله ادامه دارد...